

بررسی وضعیت زنان پناهجو از منظر اسلام، آیات قرآن و مقررات حقوق بین الملل

زهرا انصاری فر^۱

سمیرا گلخندان^۲

اکبر رجبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

چکیده

پناهجویی و پناهندگی امروز، بحث بسیار مهمی می باشد که افراد در کشورهای مختلف از جمله از خاورمیانه به غرب یا سایر کشورها پناهنده می شوند. در مورد زنان این بحث بسیار مهم می باشد. چراکه زنان ممکن است به خاطر جنسیتشان مورد آزار و اذیت زیادی قرار گیرند و به همین دلیل این بحث هم در حقوق بین الملل و هم در اسلام وجود دارد. در چارچوب حقوق بین الملل، این بحث در چارچوب حقوق بشر بیشتر مطرح می شود و در اسلام نیز بیشتر در چارچوب کفار و مسلمانان مطرح شده است. بر این اساس در این مقاله با اتخاذ روش تحلیلی - توصیفی و به صورت کتابخانه ای درصدد بررسی موضوع بررسی وضعیت زنان پناهجو از منظر اسلام و حقوق بین الملل هستیم. یافته های تحقیق نشان می دهد که پناهجویی زنان در اسلام چندان مورد توجه قرار نگرفته و تنها در سوره ممتحنه و یک آیه به آن اختصاص داده شده است ولی می توان مقرراتی را از این آیه استخراج کرد و با مقررات امروزی مقایسه نمود. در حقوق بین الملل نیز در چارچوب حقوق بشر این موضوع مطرح شده است و کنوانسیون های متعدد حقوق بشری در این زمینه به تناسب موضوع، به این بحث پرداخته اند. در اسلام زنان پناهجو بیشتر به کافر و مسلمان تقسیم بندی می شوند و عدم امنیت زنان پناهجو بیشتر متوجه جامعه اسلامی می باشد و حاکم اسلامی در این زمینه ضمانت و امان می دهد تا جان وی در مدت اقامت در سرزمین اسلامی مورد تهدید واقع نشود ولی در حقوق بین الملل پناهندگی و پناهجویی زن به خاطر عدم امنیت جانی و مالی به سبب عقیده، نژاد، امور سیاسی، مجازات مرگ و ... می باشد و در واقع نه مفهومی ایدئولوژیک همانند اسلام، بلکه مفهومی سرزمینی می باشد.

کلمات کلیدی: پناهجو، زن، اسلام، آیات قرآن، حقوق بین الملل.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول).

^۳ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

مقدمه

چارچوب حقوقی و استانداردهایی وجود دارد که در جهت حمایت بین‌المللی از پناهندگان است. به طور سنتی، جنسیت به خودی خود واجد شرایط بودن برای حمایت به عنوان پناهنده نبوده است. این به خاطر این واقعیت است که در لحظه تاریخی که حقوق زنان و پناهندگان اجرایی شد، حقوق زنان کمتر مورد توجه قرار گرفت. اما با گذشت زمان، حقوق زنان بیشتر به رسمیت شناخته شده است و این در اعطای وضعیت پناهندگی منعکس شده است. این یک پیشرفت مناسب بوده است که به دلیل واقعیت‌های تبعیض بیشتر، فقر و بیکاری در میان زنان (در مقایسه با مردان)، و همچنین چالش‌های خاص از منظر حقوق بشر که توانایی زنان به حاشیه رانده شده را برای برخورداری از به رسمیت شناختن کامل در جهان، مختل می‌کند، ضروری است. اکنون زنان به عنوان «گروهی» از افراد مستحق حمایت ویژه مورد توجه قرار گرفته‌اند. در واقع، اشکال مختلف خشونت که علیه زنان در زمینه حقوق بشر بین‌المللی انجام می‌شود، منجر به پیدایش مجموعه‌ای از قوانین شده است که بر اعطای وضعیت پناهندگی تأثیر می‌گذارد. چندین شکل از خشونت علیه زنان به ایجاد این مجموعه «حقوق پناهندگی جنسیتی» کمک کرده است. این موضوع، شامل تجاوز جنسی، خشونت جنسی، جراحی دستگاه تناسلی زنان و خشونت خانگی است. در نتیجه ارتباط بین وضعیت پناهندگی و ملاحظات اجتماعی-اقتصادی به ویژه جالب و مهم است. فرضیه ما این است که موانع عملی قابل توجهی در رابطه با اجرای حقوق زنان پناهجو وجود دارد. برای مقابله با این، کشورها باید به تصویب اسنادی مانند کنوانسیون حمایت از پناهجویان تشویق شوند. این ممکن است بستری را برای این کشورها ایجاد کند که گام‌های فعالی برای داخلی کردن اصول کلیدی مندرج در آن در قوانین ملی خود بردارند. زنان پناهجو باید خود از نزدیک در مراحل برنامه ریزی و اجرای سیاست ملی و تحولات قانونی در این زمینه مشارکت داشته باشند. چنین مداخلاتی، همراه با شناخت مناسب دولت از وضعیت اسفناک، به ویژه، زنان و کودکان پناهندگان و پناهجویان، باید احتمال موفقیت بیشتری داشته باشد. همچنین نقش‌های مهمی باید توسط قوه قضائیه، جامعه مدنی و گروه‌های مدافع در تبدیل حمایت بین‌المللی افزایش یافته از زنان پناهجو به تغییر معنادار و واقعی در تجربیات این گروه مضاعف در جامعه ایفا شود.

۱- چارچوب حقوقی برای حفاظت از پناهندگان و پناهجویان

چارچوبی از مقررات و استانداردهای بین‌المللی وجود دارد که به دنبال حمایت از پناهندگان است. این چارچوب شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و چهار کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) در مورد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، و همچنین مجموعه‌ای از معاهدات و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، الزام آور و غیر الزام آور است.^۴

^۴ UNHCR, Refugee Protection: A Guide to International Refugee Law (Geneva: Inter-

Parliamentary Union and the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, 2001), p 8.

با توجه به اینکه عمده نیازهای پناهندگان، به ویژه مسائل مربوط به جنسیت، بیشتر حول محور حقوق بشر است، بنابراین حساس ترین مقامات بین المللی در این زمینه دارای صلاحیت ماهوی در حقوق بشر نیز هستند. در واقع، سازمان ملل از طریق برخی از کمیته های تخصصی خود به عنوان نهاد اصلی درگیر در حفاظت از پناهندگان و همچنین ناظر امنیت جهانی در نظر گرفته می شود.

سازمان ملل برای اولین بار مشکل مربوط به پناهندگان زن را در سال ۱۹۷۹ به رسمیت شناخت، زمانی که مجمع عمومی این موضوع را به مناسبت کنفرانس "دهه زنان" در نایروبی، که توسط خود سازمان ملل اعلام شد، مورد بحث قرار داد. اما علاقه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به مسائل جنسیتی تنها در سال ۱۹۸۵ با نتیجه گیری شماره ۳۹ در مورد زنان پناهنده و حفاظت بین المللی^۵ که بر اساس تحولات حاصل از کنفرانس به دست آمد، مورد توجه قرار گرفت. این نتیجه گیری وضعیت نامناسب ویژه زنان پناهنده و لزوم اتخاذ راهبردهای خاص برای محافظت از آنها در برابر خشونت فیزیکی، سوء استفاده جنسی و تبعیض را تأیید می کند. این هدف سرانجام در سال ۱۹۹۱ مشخص شد، زمانی که کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) دستورالعمل های حمایت از زنان پناهنده را تصویب کرد. در سال ۱۹۹۵، پلتفرم اقدام در پکن از ایالات متحده خواست که همه زنانی را که از آزار و اذیت جنسیتی رنج می برند، به عنوان پناهنده به رسمیت بشناسند. رهنمودهای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل: پس از آن، مشارکت سازمان ملل افزایش یافته است، اما هنوز عمدتاً ساختاری ندارد.^۶

در سال ۱۹۹۷، سازمان ملل گزارشی در مورد خشونت علیه زنان در منازعات مدنی و معرفی آن به عنوان جنایات بین المللی، و همچنین تحلیلی در مورد نقش زنان در خانواده و جامعه منتشر کرده است.^۷ این گزارش با مجموعه ای از دستورالعمل ها برای سیستم سازمان ملل متحد و برای ارگان های حافظ حقوق بشر، مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ارائه شده است. بنابراین، در سال ۱۹۹۲ کمیته کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان توصیه ای در مورد لزوم ایجاد خدمات کافی برای قربانیان خشونت جنسی و جنسیتی از جمله زنان پناهنده صادر کرد.^۸ کمیته از دولت ها خواسته است که کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

^۵. Executive Committee Conclusion N.39: Refugee Women and International Protection, 1985, available at: <http://www.unhcr.org/excom/exconc/3ae68c43a8/refugee-women-international-protection.html>

^۶. Marco Balboni, La protezione internazionale in ragione del genere, dell'orientamento sessuale e dell'identità di genere. Aspetti di diritto internazionale e dell'Unione Europea, (G. Giappichelli Editore, 2012): p 144

^۷. Balboni, M. La protezione internazionale in ragione del genere, dell'orientamento sessuale e dell'identità di genere. Aspetti di diritto internazionale e dell'Unione Europea, G. Giappichelli Editore, 2012.

^۸. CEDAW, General Recommendation No.19: Violence against Women, 1992, § 24. Cfr. General Recommendation No.24 on Art. 12: Women and Health, 1999, § 16

را بدون تبعیض علیه افراد تحت صلاحیت خود اعمال کنند و هرگونه تبعیض مستقیم و غیرمستقیم علیه همه زنان از جمله زنان پناهنده و پناهندگان را ممنوع کنند.^۹ علاوه بر این، در اکتبر ۲۰۱۱، کمیته بر تعهد به تضمین برابری میان پناهندگان تاکید کرد و از دولت ها دعوت کرد "اشکال آزار و اذیت مرتبط با جنسیت را به رسمیت بشناسند و عضویت یک گروه اجتماعی خاص در کنوانسیون ۱۹۵۰ را برای اعمال زنان تفسیر کنند. حساس به جنسیت. فرآیندهای ثبت نام، پذیرش، مصاحبه و قضاوت نیز باید برای تضمین دسترسی برابر زنان به پناهندگی وجود داشته باشد."^{۱۰}

همزمان با آغاز به کار کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، کمیته دیگری ایجاد شد که منشأ آن به دلیل قطعنامه ۴۶/۳۹ مجمع عمومی در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ است. الحاق به این قطعنامه متضمن تصویب "کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز" بود که اجرای آن توسط کشورهای عضو توسط کمیته منع شکنجه، نظارت می شود. با توجه به خاص بودن مشکلی که کمیته منع شکنجه از آن دفاع می کند، اجتناب ناپذیر است که در میان موارد آن موارد بسیاری نیز وجود داشته باشد که زنان پناهنده را در بر می گیرد و اغلب به خاطر نوعی شکنجه یا رفتار غیرانسانی است که از آنها رنج می برند.^{۱۱}

در سال ۲۰۰۰، گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان از دولت ها خواست که هم دستورالعمل هایی را برای به رسمیت شناختن آزار و شکنجه جنسیتی به عنوان مبنای درخواست پناهندگی اتخاذ کنند و هم از تمام اسناد تصویب شده توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل استفاده کنند. با این حال، جانشین او در سال ۲۰۰۹ اعتراف کرد که پیشرفت های مربوط به این موضوع ضعیف بوده و آزار و اذیت جنسی باید زمینه کافی برای اعطای پناهندگی در نظر گرفته شود.^{۱۲} در عین حال، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل بر اهمیت جدا کردن مکانیسم حفاظتی از وابستگی آن به همکاری بین قربانیان و مقامات کشور میزبان تاکید کرده است. در واقع، با وجود اینکه مکانیسم های نظارتی به منظور شناسایی هرگونه نارسایی در اجرای تعهدات کنوانسیون ژنو و سایر موافقت نامه های تصویب شده وجود دارد، مطالعات سال ۲۰۰۶ بر فقدان قوانین جامع در مورد قاچاق و مقررات خاص برای رویکردی حساس به قوانین پناهندگی جنسیتی در سطح ملی تأکید کرده است. حتی شورای امنیت نیز مداخله کرد و قطعنامه هایی در مورد زنان پناهنده صادر کرد که با هدف دعوت از دولت ها برای اتخاذ مکانیسم های مؤثر برای محافظت در برابر خشونت، به ویژه خشونت جنسی، که در کمپ

^۹. CEDAW, General Recommendation no. 28: The Core Obligations of States Parties under Art. 2 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 2010, p 12

^{۱۰}. Balboni, ibid

^{۱۱}. OHCHR Official website, available at:

<http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CAT/Pages/CATIntro.aspx>

^{۱۲}. Balboni, ibid, p 168

های پناهندگان و کمپ های آوارگان داخلی رخ می دهد، می باشد. این قطعنامه ها شواهدی را مبنی بر توجه صحیح به تأثیر درگیری های مسلحانه بر زنان و دختران جوان ارائه می دهد که منجر به پاسخ کافی به نیازهای آنها و ابزار کارآمد برای تضمین حمایت نهادی آنها با هدف ارتقای صلح و امنیت می شود.

۱-۱- حقوق زنان به عنوان پناهجو در حقوق بین الملل

در واقع بحث بزرگی در مورد تفکیک حقوق زنان از حقوق بشر جهانی وجود دارد. البته زنان حق دارند از همه حقوق مرتبط با بشر برخوردار شوند. مواردی که به نابرابری، حقوق خانوادگی و خشونت علیه زنان مربوط می شوند، اهمیت ویژه ای دارند. همچنین اسناد بین المللی که از پناهندگان حمایت می کنند، بین «پناهندگان مرد» و «پناهندگان زن» تفاوتی قائل نمی شوند.^{۱۳} برای مثال، ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) می گوید:

هر کس بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، جنس رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگر، منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا موقعیت های دیگر، مستحق تمام حقوق و آزادی های مندرج در این اعلامیه است.

با این حال، از تعدادی از کنوانسیون ها مشخص است که کسانی که این کنوانسیون را تهیه کردند، تنها پناهندگان مرد را در نظر داشتند. در واقع، چندین دهه پیمان بندی پناهنده محور منحصراً بر مردان متمرکز بوده است، روندی که به ابزارهای آفریقایی مربوط به وضعیت پناهندگان نیز گسترش یافته است.

آمارها نشان می دهد که زنان اکثریت فقرا و بی سوادان جهان را تشکیل می دهند. زنان همچنین به طور کلی بسیار کمتر از مردان درآمد دارند و اغلب بدون دستمزد کار می کنند.^{۱۴} حتی به صورت جدی تر، زنان اغلب به دلیل جنسیت خود مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند. بنابراین اکنون زنان به عنوان «گروهی» از افراد مستحق حمایت ویژه مورد توجه قرار گرفته اند. این تا حدی در نتیجه میزان تبعیضی است که زنان در برخی فرهنگ ها و اعمال تجربه می کنند و در نتیجه برابری واقعی را مهار می کنند. همانطور که ماده ۱ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان، ۱۹۶۷، اشاره می کند:

تبعیض علیه زنان، انکار یا محدود کردن برابری حقوق آنها با مردان، اساساً ناعادلانه است و تخلفی علیه کرامت انسانی است.

^{۱۳} . Anders B. Johnsson, "The International Protection of Women Refugees: A Summary of Principle Problems and Issues," International Journal of Refugee Law 1 (1989): p 222.

^{۱۴} . Smith, Rhona, International Human Rights, 9th, (Oxford University Press; 10th edition, March 22, 2022), p 197

این وضعیت زمانی بدتر می شود که وضعیت مضاعف آسیب دیده مربوط به زنان پناهجو را در نظر بگیریم. البته پناهندگان نیز در معرض تبعیض قرار دارند و بارها وحشیگری های متعددی را در دوره های طولانی متحمل شده اند.^{۱۵}

تا سال ۱۹۸۵ سازمان ملل شروع به بحث در مورد نیاز به حمایت ویژه از زنان پناهنده نکرده بود. در ماه مه ۱۹۸۵ سمینار بین المللی زنان پناهنده در سوستربرگ برگزار شد که در آن خشونت جنسی علیه زنان پناهنده و سیاست های پناهندگی مورد بحث قرار گرفت. ۳۷ نماینده از ۲۳ سازمان امداد پناهندگان اروپایی و بین المللی در آن شرکت کردند و تعدادی توصیه کردند که به هدی دانکونا^{۱۶}، عضو پارلمان اروپا در آن زمان ارائه شد. این توصیه ها شامل موارد زیر است:

- اشکال اجتماعی و نهادینه شده سرکوب زنان (که استانداردهای حقوقی بین المللی و مفاد حقوق بشر را نقض می کند) به عنوان اشکالی از آزار و شکنجه به دولت ها خدمت می کند که ممکن است به اعطای وضعیت پناهندگی منجر شود.

- در راستای قطعنامه تصویب شده توسط پارلمان اروپا در ۱۳ آوریل ۱۹۸۴، ظلم دولت ها به زنان که تحت توصیه فوق صورت می گیرد به عنوان آزار و اذیت در مفهوم کنوانسیون پناهندگان تعریف می شود. همچنین، دولت ها باید تشخیص دهند که آزار و اذیت به دلیل عضویت در یک گروه اجتماعی خاص ممکن است شامل آزار و اذیت موقعیت اجتماعی بر اساس جنسیت نیز باشد.^{۱۷}

این توصیه ها مورد توجه دولت ها و سازمان ها قرار گرفت. یک شبکه بین المللی نیز برای ترویج توصیه های فوق ایجاد شد. بر اساس سمینار، زنان پناهنده را می توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

۱. زنانی که از آزار و اذیت بر اساس همان دلایل کنوانسیون و در شرایط مشابه مردان می ترسند. به این معنا که عامل خطر به خودی خود وضعیت جنسی آنها را نشان نمی دهد، بلکه هویت خاص آنها (یعنی نژاد، ملی یا اجتماعی) یا چیزی است که به آن اعتقاد دارند یا تصور می شود به آن اعتقاد دارند (یعنی مذهب یا عقاید سیاسی)^{۱۸}

^{۱۵} . Muižnieks, N. Human Rights of refugee and migrant women and girls need to be better protected, Council of Europe's Official website, Strasbourg, 7 March 2013.

^{۱۶} . Hedy D'Ancona

^{۱۷} . Menjívar, C. and Abrego, L. "Legal violence: Immigration law and the lives of central american immigrants", American Journal of Sociology, 2012.

^{۱۸} . Kivilcim, Z. "Legal Violence Against Syrian Female Refugees in Turkey", Springer Science+Business Media, Dordrecht 2016.

۲. زنانی که صرفاً به دلایل مربوط به خویشاوندی، یعنی به دلیل موقعیت، فعالیت یا دیدگاه همسر، والدین و خواهر و برادر یا سایر اعضای خانواده از آزار و اذیت می ترسند.

۳. زنانی که از آزار و شکنجه ناشی از شرایط خاص تبعیض شدید بر اساس جنسیت یا اعمال خشونت آمیز توسط مقامات دولتی و یا توسط شهروندان خصوصی که دولت مایل یا قادر به حمایت کافی از افراد مربوطه در برابر اقدامات آنها نیست، بیم دارند.

۴. زنانی که از آزار و شکنجه به دلیل عدم انطباق یا تخطی از قوانین و رویه های مذهبی یا عرف تبعیض جنسیتی در کشور خود بیم دارند.^{۱۹}

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) دستورالعمل هایی را در مورد چگونگی بررسی درخواست های پناهجویان، از جمله ادعاهای مربوط به جنسیت، صادر کرده است. در واقع، رویه حقوقی رو به رشدی در مورد چنین مواردی وجود دارد و بسیاری از دولت ها ابراز علاقه کرده اند که این تفکر را در چارچوب حمایتی خود بگنجانند. علاوه بر مجموعه کلی حقوق بین الملل حقوق بشر که برای همه قابل اعمال است، تعدادی استاندارد حقوق بشر وجود دارد که مستقیماً به وضعیت زنان پناهنده می پردازد. سند حقوقی بین المللی برجسته کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) و پروتکل اختیاری آن است. این کنوانسیون استانداردهایی را برای دولت ها در تعدادی از زمینه هایی که برای زنان پناهنده مهم هستند، از جمله سرکوب همه اشکال قاچاق زنان و استثمار توسط فحشا، تعیین می کند.^{۲۰}

طرف های کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان هرگونه تبعیض علیه زنان را محکوم می کنند و با اتخاذ سیاست هایی برای از بین بردن این رفتار موافقت می کنند. در واقع، امضاکنندگان موافقت می کنند که اصل برابری را در قانون اساسی خود گنجانده و قوانینی را با تحریم هایی که تبعیض علیه زنان را ممنوع می کند، به تصویب برسانند. هدف دولت ها نیز ارتقای مثبت پیشرفت زنان است. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که به عنوان منشور حقوق زنان در سراسر جهان عمل می کند، همچنین منجر به ایجاد کمیته رفع تبعیض علیه زنان برای نظارت بر اجرای آن شد. سایر استانداردهای مرتبط بین المللی عبارتند از اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حذف خشونت علیه زنان، که زنان پناهجو را به عنوان یکی از گروه های آسیب پذیر

^{۱۹} . Balboni, M. La protezione internazionale in ragione del genere, dell'orientamento sessuale e dell'identità di genere. Aspetti di diritto internazionale e dell'Unione Europea, G. Giappichelli Editore, 2012.

^{۲۰} § Smith, ibid, p 201

به ویژه در برابر خشونت به رسمیت می شناسد و از دولت ها می خواهد که اقداماتی را برای حذف خشونت علیه زنان اتخاذ کنند.^{۲۱}

۱-۲- کمیته منع شکنجه^{۲۲}

طبق رویه کمیته منع شکنجه، خواهان باید دلایل کافی برای در نظر گرفتن وجود خطر واقعی و شخصی شکنجه ارائه دهد. بنابراین، حقایقی که توسط زنی که قربانی بدرفتاری شده است، اهمیت اساسی پیدا می کند. با این حال، کمیته تحمل خود را در پذیرش برخی تناقضات در داستان گفته شده توسط قربانی نشان داده است، و در ارائه شواهدی که برای حمایت از ادعاها آورده شده است، چندان سخت گیری نکرده است. نمونه بارز آن پرونده مربوط به یک زن ایرانی است که بیوه یک رزمنده شهید سازمان هوانوردی ایران بود. او اظهار داشت که توسط دولت مجبور شده است برخلاف میل خود ازدواج جدیدی را بدون زندگی مشترک و با ارائه خدمات جنسی در هر زمان که شوهر خواسته است، بپذیرد. سپس به خاطر رابطه ای که با شریک مسیحی خود داشت به دلیل زنا محکوم به مرگ می شود. علیرغم چند تناقض و تردیدی که زن در حین تسلیم دادخواست خود داشت، کمیته دریافت که قربانی عناصر و جزئیات کافی در مورد تاریخ، آدرس و نام پاسگاه های پلیس ارائه کرده است که باید توسط مقامات محلی کشور میزبان تأیید می شد.^{۲۳} بنابراین، کمیته معمولاً ادعاها را می پذیرد و وظیفه بررسی بیشتر را به کشور پناهنده واگذار می کند.

به نظر می رسد که کمیته منع شکنجه برای ارزیابی "ریسک شخصی" نیز رویکردی مداراگونه را اتخاذ کرده است. این امر به ویژه در مورد موقعیت های خشونت گسترده علیه زنان، مانند درگیری ها در جمهوری دموکراتیک کنگو، صدق می کند.^{۲۴} هنگامی که شرایط مشابه وجود دارد، زمینه به عنوان دلیل کافی برای حمایت از شواهد ادعای ارائه شده توسط یک زن در نظر گرفته می شود که احتمال بیشتری دارد که وضعیت پناهندگی خود را ببیند. در عوض، مناقشات بیشتر جنبه های رویه ای دیگر را مشخص می کند، مانند عناصری که به عنوان دلایل اثبات به ادعا پیوست می شوند. به طور خاص، کمیته هیچ گونه خطر خشونت غیرمستقیم را که یک زن ممکن است به عنوان همسر یا به عنوان عضو از خانواده متحمل شود، نمی پذیرد.^{۲۵} یک مثال مرتبط برای این موضوع، مورد یک زن بلاروسی است که از درخواست پناهندگی خود بر اساس یک سری اعمال

^{۲۱} . Oosterveld, V. "Gender, Persecution, and the International Criminal Court: Refugee Law's Relevance to the Crime against Humanity of Gender-based Persecution", Duke J Comp. & Int'l L., 2006-2007

^{۲۲} . The Committee Against Torture

^{۲۳} . CAT, 15 February 2001, A.S. v. Sweden, CAT/C/25/D/149/1999.

^{۲۴} . CAT, 24 November 2003, Hanan Ahmed Fouad Abd El Khalek Attia v. Sweden, CAT/C/31/D/199/2002.

^{۲۵} . Balboni, ibid

خشونت آمیز (از جمله خشونت جنسی) حمایت کرد. پس از در نظر گرفتن جهت گیری سیاسی همسر زن و محکومیت علیه خشونت، تنها به دلیل عنصر دوم که در مقابل کمیته آورده شد، وضعیت پناهندگی به وی اعطا شد. طبق همین اصل، کمیته ادعای یک زن متاهل با تروریست اسلام‌گرا را رد کرد، زیرا عضویت در خانواده به عنوان خطر غیرمستقیم تلقی می‌شود، بنابراین دلیل کافی برای پذیرش درخواست پناهندگی طبقه بندی نمی‌شود.^{۲۶} این یک رویه قضایی سطح پایین تری است که در مقایسه با آنچه که توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به تصویب رسیده است، و با رویکرد خود کمیته زمانی که فقط مربوط به خویشاوندی "دور" را کنار می‌گذارد، در تضاد است.

۱-۳- کمیته رفع تبعیض علیه زنان^{۲۷}

هدف اصلی کمیته رفع تبعیض علیه زنان ریشه در مقدمه و ماده اول منشور سازمان ملل متحد دارد.^{۲۸} این دو بخش به ترتیب "ایمان به حقوق اساسی بشر، به حیثیت و ارزش انسان، به حقوق برابر زن و مرد" و هدف سازمان ملل متحد برای دفاع از آزادی های اساسی بدون تمایز جنسیتی را اعلام می‌کنند.^{۲۹} به طور مشابه، اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اهمیت حقوق بشر برای زنان تاکید می‌کند.^{۳۰} با وجود این اسناد رسمی، به زودی مشخص شد که از حقوق زنان به درستی دفاع نمی‌شود، بنابراین ایجاد کمیسیون وضعیت زنان ضروری شد. از ابتدا، کمیسیون به طور خاص بر روی عدم تبعیض از طریق تدوین اعلامیه برای حمایت از حقوق بشر زنان کار کرد. کمیته رفع تبعیض علیه زنان که در ابتدا در سال ۱۹۴۶ به عنوان یک کمیسیون فرعی ساده از کمیسیون حقوق بشر تأسیس شد، به سرعت تحت فشار فعالان زن گسترش یافت و شروع به توسعه توصیه ها و پیشنهادهایی برای تأثیرگذاری بر خود توصیه ها کرد. کمیته رفع تبعیض علیه زنان همچنین کنوانسیون هایی مانند کنوانسیون حقوق سیاسی زنان و سایر کنوانسیون ها را صادر کرد که از زنان و دختران در برابر شرایط ناعادلانه ازدواج صیانت می‌کند، اما کنوانسیون های عمومی حقوق بشر موقعیت غالب خود را در این زمینه حفظ کردند. اگرچه شروع به کار و کارکرد کمیسیون مقام زن به معنای مشارکت عمیق تر در حمایت از حقوق

^{۲۶} . CAT, November 24th 2003, Hanan Ahmed Fouad Abd El Khalek Attia v. Sweden,

CAT/C/31/D/199/2002.

^{۲۷} . Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women Comitee

^{۲۸} . OHCHR Official Website, Short History of Cedaw Convention available at:

<http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.htm>

^{۲۹} . Charter of the United Nations, San Francisco 1945, Preamble and art.1, available at:

<https://treaties.un.org/doc/publication/ctc/uncharter.pdf>

^{۳۰} . Universal Declaration of Human Rights (General Assembly Resolution 217A), Paris 1948,

زنان بود ولی سازمان ملل متحد خود به شکست خود در تلاش برای شکست دادن تبعیض علیه زنان پی برد. به همین دلیل، سازمان ملل دستور داد تا برای تهیه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تلاش کند که در نهایت در سال ۱۹۸۱ توسط مجمع عمومی تصویب شد.^{۳۱}

رویه قضایی کمیته رفع تبعیض علیه زنان تا پایان دهه ۱۹۹۰ بسیار ضعیف بود. دلیل اصلی را می توان در دشواری بسیاری از تجدیدنظرها در گذراندن مرحله پذیرش، معمولاً به دلیل شکست در پذیرش اول درخواست تجدیدنظر داخلی یافت. با این حال، می توان رویکرد اتخاذ شده توسط رویه قضایی کمیته رفع تبعیض علیه زنان را با نگاهی به موارد معدودی که به پایان رسید، ارزیابی کرد. به ویژه ادعای یک زن چینی (در زمان وقوع خشونت، زیر سن قانونی) که شکایت کرد. شکایت بر مبنای اساسنامه کمیته مزبور بود که بر اساس آن، کشورهای عضو کنوانسیون موظف به مبارزه با بهره‌کشی جنسی هستند. این زن اظهار داشت که مقامات مربوط به مهاجرت او را از حقوقی که قربانیان فحشا در نظر گرفته اند و به دلیل اینکه آنها حقوق او را به عنوان افراد زیر سن قانونی در نظر نمی گیرند، آگاه نکرده اند. با این حال، کمیته به دلایل زیادی ادعای او را رد کرد: اولاً، این ادعا خیلی دیر ارائه شد، ثانیاً، فقدان شواهد، زیرا این زن حداکثر درخواست خود را به کشور محل پناهندگی ارائه نکرده بود و سفری هم به آن کشور داشت و در صورت بازگشت به کشور مبدأ هیچ خطری وجود نداشت.^{۳۲}

با این وجود، رویکرد کمیته رفع تبعیض علیه زنان به اندازه کافی سخاوتمندانه عمل کرده است. در واقع، کمیته رفع تبعیض علیه زنان قضاوت خود را مبتنی بر پذیرش مدارکی نموده است که ارزیابی اعتبار آنها به عنوان اسناد مسافرتی بسیار دشوار است. برای مثال، حتی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد استانداردهای محدودتری را اتخاذ می کند، و استفاده از اوراق سفر را در ارزیابی پرونده‌های پناهندگان منع می کند، و به عناصر قوی‌تری برای بررسی یک ادعای قابل پذیرش نیاز دارد.^{۳۳}

به جز کمیته منع شکنجه، نقش کمیته های مختلف سازمان ملل هنوز بسیار محدود است. دلیل این نقص را به راحتی می توان در سختی مدعی برای حمایت از درخواست خود با عناصر معتبر جستجو کرد. در نتیجه اکثریت پرونده‌ها به «مرحله پذیرش» متوقف می شود که امکان ادامه آن به دلیل نبود مطالب مرتبط برای پذیرش ادعا وجود ندارد. این مشکل اغلب ناشی از رویکرد محدود کننده کمیته مورد بحث است: این مورد در مورد کمیته حقوق مدنی و سیاسی است که معمولاً بیش از حد به حقوق ملی و مقامات ملی احترام می گذارد و تنها زمانی مداخله می کند که مضمونی وجود داشته باشد. نقض جدی حقوق استاندارد اتخاذ شده توسط کمیته رفع تبعیض علیه زنان نیز محدود کننده است، در حالی که به نظر می رسد کمیته منع شکنجه بیشتر مستعد

^{۳۱} . Virzo, Roberto, The Protection of Refugee Women under International Law: Achievements and Challenges, Department of Political Science, Chair of International Law, Libera Università Internazionale degli Studi Sociali Guido Carli, 2016, p 31

^{۳۲} . CEDAW, February 17th 2009, Zhen Zhen Zheng v. Netherlands, CEDAW/C/42/D/15/2007.

^{۳۳} . Balboni, ibid

مداخله و پذیرش ادعاها است. علاوه بر این، مرحله رویه ای مشکلات و تناقضاتی را در بین کمیته ها ایجاد می کند. از یک سو، کمیته حقوق مدنی و سیاسی امکان ارزیابی مستقل درخواست های زنان را رد می کند، در حالی که کمیته منع شکنجه این حق ویژه را برای زنان قائل است، اما همچنان ارتباط «خطر غیرمستقیم» را برای زنان به عنوان اعضای خانواده رد می کند. در نهایت، با توجه به این تحلیل، وضعیت امروز مسلماً ابزارها و مقامات مختلفی را برای حمایت از حقوق پناهندگان فراهم می کند، اما دشواری در اجرای کنوانسیون ها و تجلی قدرت این کمیته ها همچنان ادامه دارد. از سوی دیگر موضوع مهمی که وجود دارد کنوانسیون ها و کمیته هایی که مطرح شده اند اشاره صریحی به وضعیت زنان پناهجو که با مشکلات و مسایل عدیده ای از جمله قتل، تعرض، سرقت و... که در بدو ورود به کشور میزبان را دارند اشاره نکرده اند. با این حال با توجه به نظریات دکترین حقوقی که ارایه شده است می توانیم اشاره کنیم که مقررات مورد اشاره فوق شامل زنان پناهجو هم می شوند چون منعی در قوانین در این خصوص وجود ندارد. ولی نمی توان اصل قضیه را کتمان کرد که در صحنه بین المللی وقوانین داخلی کشورها شاهد نقص قوانین در این زمینه هستیم که نیازمند توجه خاص است.

۱-۴- اعمال حقوق بین الملل و تعاملات بین نظام های بین المللی و ملی در حوزه زنان پناهنده

با تصویب کنوانسیون پناهندگان، کشورها تعهدات مختلفی را برای اعطای رفتار مساوی با پناهندگان با رفتاری که اتباع دولت از آن برخوردارند، می پذیرند. این کنوانسیون ویژگی اصلی رژیم بین المللی حمایت از پناهندگان امروزی است. به این ترتیب، این کنوانسیون تا حد زیادی گسترده ترین معاهده پناهندگان است.

طبق کنوانسیون پناهندگان، پناهنده کسی است که:

الف) ترس موجهی از آزار و اذیت به دلیل وجود:

- نژاد،
- مذهب، ملیت،
- عضویت در یک گروه اجتماعی خاص، یا
- عقیده سیاسی داشته باشد.

ب) خارج از کشور خود باشد. و

ج) از ترس آزار و اذیت نتواند یا نخواهد از حمایت آن کشور استفاده کند یا به آنجا بازگردد.

واضح است که جنسیت، به خودی خود، واجد شرایط بودن برای حمایت به عنوان پناهنده به نظر نمی رسد، زیرا در زمان اجرای کنوانسیون پناهندگان، حقوق زنان به طور نادرست مورد توجه قرار گرفت. همانطور که در زیر

نشان داده خواهد شد، جامعه بین المللی در طول زمان این تعریف را در عمل توسعه داده و گسترش داده است. کشورهای توسعه یافته، به ویژه، خود را در این زمینه به گونه‌ای درگیر کرده‌اند که منجر به حمایت بیشتر از زنان پناهنده شده است.^{۳۴}

با این حال، با گستره گسترده‌تر اینکه چه کسی پناهنده می باشد، از سوی برخی کشورها که از "باز شدن سیل شناسایی" وضعیت پناهندگی می ترسند، هشدار داده شده است.

کشورهای عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ باید به اصل عدم استرداد آنها احترام بگذارند، بنابراین آنها نمی توانند پناهندگان و پناهجویان را به کشوری بازگردانند که زندگی یا آزادی آنها در خطر است.^{۳۵} به طور کلی تر، انتظار می رود که دولت ها از مردم در برابر خشونت و نقض حقوق بشر دفاع کنند. به عبارتی، دولت ها را می توان به طور منطقی به عنوان یک بازیگر کلیدی در حمایت از پناهندگان و در ارتقای حقوق بشر در نظر گرفت. این تا حدی درست است، به این معنا که قدرت ملی هنوز موجودیت اصلی است، در حالی که مقامات بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد و کنوانسیون های مرتبط، می توانند به اندازه ای که دولت ها به آنها اجازه می دهند، دارای صلاحیت شوند.^{۳۶} در عمل، موافقت نامه های بین المللی فضای زیادی را در اختیار دولت ها قرار می دهد که می توانند بر اساس قوانین ملی و منافع فردی خود تصمیم بگیرند. در نتیجه، هر کشوری می تواند به مهم ترین حامی پناهندگان تبدیل شود یا بدترین مانع در برابر احترام به حقوق پناهندگان باشد.

به منظور درک اهمیت اساسی دولت ها در حمایت از پناهندگان و پناهجویان در مقایسه با نقش آژانس های کمک رسانی، ممکن است ارائه مثالی مفید باشد. در این مورد به پرونده منطقه دریاچه بزرگ، در ژئیر سابق می پردازیم.

از سال ۱۹۹۴، این منطقه میزبان یک کمپ پناهندگان رواندا بود که در آن جنگجویان و عاملان نسل کشی با بقیه بیگناهان غیرنظامی ترکیب شده بودند. با توجه به اینکه این وضعیت جان همه غیرنظامیان اردوگاه را به خطر می انداخت، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل خواستار جدایی بین آنها و جنگجویان شد. متأسفانه ژئیر با این رویه موافقت نکرد و بطور ضمنی کل یک جمعیت غیرنظامی را به مرگ محکوم کرد. این مثال نشان می دهد که چگونه دولت ها، حداقل در عمل، آزادند که تصمیم به نادیده گرفتن کنوانسیون بگیرند و بر اساس منافع خود عمل کنند. در واقع، رهنمودهای روشنی توسط کنوانسیون ۱۹۵۱ و اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل برای جدایی مورد بحث ارائه شده بود، اما کاربرد آنها به دولت مربوطه بستگی داشت، و

^{۳۴} . Wendy A. Young, "The Protection of Refugee Women and Children: Litmus Test for International Regime Success," *Georgetown Journal of International Affairs* 3 (2002): p 42

^{۳۵} . UN Convention Relating to the Status of Refugees, July 28th 1951, art.33 para. 1.

^{۳۶} . Dennis McNamara, "The Protection of Refugees and The Responsibility of States: Engagement or Abdication?", 11, *Harv. Hum.Rts. J.*, (1998): 356

در این مورد زئیر سابق به طور مستقل تصمیم گرفت که آنها را نادیده بگیرد. در همین زمینه، دولت زئیر سابق حتی جنایات، خشونت ها و نقض حقوقی که مکرراً در منطقه رخ داده را رد کرد. در مقابل، خصومت نسبت به حمایت از پناهندگان زنده نگه داشته شد و کارکنان آژانس های بشردوستانه اغلب قربانی حملات می شدند. علیرغم اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد این اعمال خشونت آمیز و تخلفات را محکوم کردند، کار مشخصی برای بهبود وضعیت در چشم انداز آینده و تضمین احترام بهتر به دستورالعمل های بین المللی انجام شد. باز هم دلیل انفعال در اهمیت دولت ها به عنوان بازیگران اصلی در مقایسه با مقامات بین المللی است. در واقع، همچنان به نفع دولت ها و نه تنها کشورهای در حال توسعه است بلکه به حفظ قدرت تصمیم گیری مستقل و ثابت تاکید می کند. به عنوان مثال، حتی در کشورهای اروپایی که به طور رسمی عضو موافقت نامه ها و کنوانسیون های اصلی حقوق بشر هستند، موضوع مهاجران غیرقانونی و بیگانگان جنایتکار به عنوان استدلال قدرتمندی در مبارزات انتخاباتی مورد استفاده قرار می گیرد.^{۳۷}

اگر جریان پناهجویان بین بسیاری از کشورهای مختلف تقسیم می شد، به همه کشورهای میزبان کمک می شد و از فشار بیش از حد جیوگیری می گردید. با توجه به اینکه در این مورد کشورهای میزبان مورد نظر از باثبات ترین و غنی ترین منابع نیستند، آسان تر خواهد بود. با این حال، این طرح صرفاً یک فرض نظری است که به دلیل فقدان ماهیت الزام آور در سطح قانونی، نمی تواند فراتر از تبدیل شدن به یک تشویق باشد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا به عنوان طرف های کنوانسیون وضعیت پناهندگان، مسئولیت بین المللی حمایت از پناهندگان سوری را به اشتراک می گذارند، زیرا دولت های آنها قادر به حفاظت از حقوق اساسی آنها نیستند، بنابراین جامعه بین المللی باید حمایت از آنها را تضمین کند.^{۳۸} ماهیت غیر الزام آور اسنادی مانند قطعنامه مجمع عمومی، ضعیفی است که به کشورهای غربی اجازه داده است که پناهندگان را بدون اعمال تمام مراحل لازم بازگردانند. همانطور که توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل گزارش شده است، تنها ۲۰٪ از افرادی که به دنبال پناهندگی بودند، بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۲، وضعیت پناهندگی را دریافت کردند.^{۳۹} مسلماً این رویکرد حمایت از پناهندگان را تضعیف می کند و هرگونه پیشرفتی را که از طریق کنوانسیون ها و موافقت نامه های این ۵۰ سال اخیر به دست می آید از بین می برد. انحراف از دستورالعمل های رسمی قبلاً مورد توافق قرار گرفته و در عوض رد و ممنوعیت بی رویه پناهندگان را انتخاب می کند. جای تعجب نیست که نتایج نشان دهنده ناکامی در دفاع از حقوق پناهندگان است و کشورهای غربی اولین کشورهایی بودند که سیستم توافق شده در کنوانسیون ۱۹۵۱ را به خطر انداختند. در واقع، وقتی هر کشوری از کمک به مردم سوریه امتناع

^{۳۷} . Susan M. Akram, "Protecting Syrian Refugees: Laws, Policies, and Global Responsibility Sharing", Boston University Law, (2014): 1

^{۳۸} . UN General Assembly, Note on International Protection, A/AC, 96/830, 19-20 (September 7th 1994).

^{۳۹} . UNHCR, The State of World's Refugees, 1997-1998, 2, 290-293

می‌کند، آسیب مضاعف ایجاد می‌کند: اولاً، پناهنده خطر می‌کند که به آنها کمک نشود یا از مزایای کمتری نسبت به آنچه که استحقاقش را دارد، دریافت کنند، زیرا مجموع منابع بین بسیاری از مردم تقسیم شده است. ثانیاً، رنج غیرمستقیم برای پناهندگان ایجاد می‌شود، زیرا اگر جامعه بین المللی حقوق خود را به عنوان حامی حفظ نکند، در آن صورت یک دولت واحد مانند ترکیه می‌تواند مسئولیت پناهندگان مورد نظر را بر عهده بگیرد و کنترل کامل بر رفتار آنها را به دست گیرد. این دقیقاً همان چیزی است که در مورد پناهندگان سوری در ترکیه که در آن با زنان سوری بد رفتاری شده و قربانی خشونت شدند، اتفاق افتاد.

برخی شرایط به افزایش مشکل مرتبط با خشونت زنان کمک کرد، مانند این واقعیت که تنها ۲۷۱۰۰۰ نفر از آن ۲,۷ میلیون نفر در کمپ های پناهندگان زندگی می‌کردند، در حالی که بقیه به یک جمعیت شهری ثبت نشده تبدیل شدند که ۷۷٪ آن را نشان می‌دهد. زنان و کودکان سپس، مسیر تعیین کننده در محکومیت پناهندگان سوری، توافقنامه امضا شده بین اتحادیه اروپا و ترکیه (بیانیه اتحادیه اروپا و ترکیه در سال ۲۰۱۶) بود که تصمیم می‌گرفت همه مهاجران غیرقانونی جدیدی که به جزایر یونان می‌رسند به ترکیه بازگردانده شوند.^{۴۰} این توافق به لطف دستورالعمل رویه‌های پناهندگی اتحادیه اروپا امکان پذیر شد، که اجازه می‌دهد یک کشور ثالث امن و یک کشور اول پناهندگی به عنوان مکان‌هایی که پناهندگان را می‌توان بدون نیاز به بررسی کامل درخواست‌های پناهندگی خود فرستاد، فرستاد.^{۴۱} اساساً، ترکیه به لطف یک توافق نامه بین المللی که بین یک دولت و یک کنفدراسیون دولت‌ها امضا شده است، موقعیت دروازه ورود پناهندگان به اروپا را به طور قانونی به دست آورده است. در این قرارداد با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و هر نهاد دیگری از سازمان ملل مشورت نشده و در صورت تمایل می‌توانست مداخله کند: این یکی دیگر از محدودیت‌های حقوق بین‌الملل است، زیرا کشورها یا گروهی از کشورها می‌توانند بدون نیاز به رضایت بی‌طرفانه و برتر، موافقت‌نامه‌های معتبری امضا کنند.

در مورد پناهندگان و پناهجویان زن سوری، این توافقنامه محکومیت آنها را به زندگی در یک نظام خشونت قانونی نشان می‌دهد. این اصطلاح همزمان به خشونت ساختاری اعمال شده بدون عامل قابل شناسایی و خشونت نمادین که توسط نظم اجتماعی تحمیل شده و به تدریج عادی شده است، اشاره دارد.^{۴۲}

^{۴۰} . Kivilcim Zeynep, "Legal Violence Against Syrian Female Refugees in Turkey", Springer

Science+Business Media (Dordrecht 2016), 194

^{۴۱} . Directive 2013/32/EU of the European Parliament and of the Council of 26 June 2013 on common procedures for granting and withdrawing international protection (Articles 35 and 38).

^{۴۲} . Cecilia Menjivar and Leisy J. Abrego. "Legal violence: Immigration law and the lives of central american immigrants", American Journal of Sociology, (2012), 117: 1413.

۱- پناهجویی زنان در اسلام

۱-۲- پناهجویی در اسلام

پناهجویی در دوران قبل از اسلام وجود داشته است و به نحوی از انحاء، به دوران بعد از اسلام هم رسیده و برخی معتقدند که از قوانین و مقررات امضایی اسلام می باشد و با اندکی تغییر اسلام آن را پذیرفته است. بعد از اینکه اسلام در مکه ظهور کرد، مسلمانان امنیت جانی در این شهر نداشتند و علی رغم میل باطنی مسلمانان اندک آن دوران، دست به مهاجرت زدند. در این میان بود که پیامبر از مقررات پناهجویی آن دوران استفاده کرده و برای حفظ جان مسلمانان، آنان را به حبشه فرستاد.^{۴۳} پیامبر برای در امان ماندن مسلمانان دست به مهاجرت و پناهجویی مسلمانان زد ولی بعد از مدت ها خود نیز مجبور شد، مکه را ترک و به سوی مدینه مهاجرت گردد. برای این امر در اولین پیمان خود با قبایل یثرب یا مدینه امنیت خود را حفظ کرد. این پیمان اولین پایه گذاری اصولی قوانین پناهجویی در اسلام بود که پیامبر دست به آن زد و الگویی برای مسلمانان بعد از آن شد. در مورد پناهجویی آیاتی نیز وجود دارد. از جمله آیه ۶ سوره توبه می فرماید: وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس به مکان امنش برسان، زیرا اینان مردمی نادانند. در این آیه علی رغم اینکه در مورد پناهجویی مشرکان می باشد، با این حال نشان می دهد که در امر پناهجویی باید دقت بیشتری به خرج داد و علی رغم تفاوت عقیده و ایمان، می بایست به مشرکان نیز پناهجویی داد. این موضوع در امر جذب آنان به سوی اسلام نیز می توانست مفید باشد. لذا پناهجویی در اسلام امری مسلم می باشد ولی تعریفی واحد از آن در اسلام وجود ندارد.^{۴۴} واژه دقیق پناهجویی در اسلام و فقه گرچه وجود ندارد ولی با وجود پیمان هایی مثل امان، استجاره و معاهد می توان پناهجویی را در اسلام درک کرد. بیشتر این پیمان ها در مورد بیگانگان غیرمسلمانی می باشد که قصد دارند در سرزمین اسلامی رحل اقامت گزیده یا از سرزمین های اسلامی عبور نمایند.

در اسلام، امان اصطلاحی است که شریعت اسلامی برای اشاره به پناهگاهی که مسلمانان به غیر مسلمانان ارائه می دهند، به کار می رود. در چنین پناهجویی مصون از تعرض باقی می ماند، حتی اگر کسی که از او حمایت می شود ولی وی در ستیز با مسلمانان باشد. علمای فقه اسلامی معتقدند که امان پیوندی ناگسستنی ایجاد می کند. این امان نامه بیشتر مرتبط با قضیه پناهجویی می باشد.^{۴۵}

^{۴۳} قدیر، محسن؛ کاظمی فروشانی، حسین، بررسی پدیده پناهجویی از منظر اسلام و حقوق بین الملل، :: نشریه پژوهش تطبیقی حقوق

اسلام و غرب، بهار، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳

^{۴۴} . متقی هندی، علی الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العربیه، ج ۲، ۱۳۹۹، ق، ص ۴۸۷

^{۴۵} . عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی : حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت،

لذا دادن امان نامه به کفار یا مشرکان با انعقاد قرارداد می باشد که همانند عقد و مقررات قرارداد با ایجاب و قبول همراه می باشد. در این قرارداد معمولاً حقوق و وظایف مومن و مستامن بیان می گردد و بر خلاف آن نمی توان با بیگانگان رفتار نمود.^{۴۶} در بحث مستامن هم فقیهان قائل به تعریفی از آن هستند که می توان با پناهجویی امروزی مقایسه کرد. در مستامن هر کافر حربی می تواند با انگیزه ای مثبت و مشروع ولی به صورت موقت قصد دارد در سرزمین اسلامی اقامت کند و برای اقامت وی نیز دولت اسلامی امنیت وی را تضمین می کند.^{۴۷}

بسیاری از موارد هجرت مؤمنان و پیامبران در قرآن کریم و در کتب تاریخ آمده است. مسلمانان مکه پس از تحمل آزار و شکنجه، به دستور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به حبشه مهاجرت کردند و در آنجا توسط یک پادشاه مسیحی حمایت شدند. حضرت محمد (ص) خود پناهجو بود و در سال ۶۲۲ با پیروانش از مکه هجرت کرد تا از آزار و شکنجه مخالفان در امان باشد و به عنوان پناهجو توسط جوامع میزبان پذیرایی شد. آیات قرآنی نشان می دهد که هجرت می تواند در مواقع سختی و یا زمانی که جان و اعتقاداتش در خطر است، برای هر کسی ضروری شود. برخی از آیات تا آنجا پیش می رود که مؤمنان را در چنین شرایطی (در صورت توانایی) به انتخاب هجرت وا می دارد.

قرآن کریم مؤمنان را ملزم به رعایت توافقات و معاهدات مربوط به حقوق پناهجویان می کند. مجموعه ای از دستورات عملی ها را در برخورد با پناهجویان و مهاجران ارائه می دهد، از کسانی که به کمک مردم در تنگنا می روند ستایش می کند و مؤمنان را ملزم به محافظت از پناهجویان می کند. حقوق پناهجویان و آوارگان داخلی را به رسمیت می شناسد و آنها را مستحق برخورداری از برخی حقوق و رفتار انسانی است. افرادی را که اعمالشان باعث مهاجرت دسته جمعی می شود، محکوم می کند و آنها را فاقد ایمان به کلام خدا می داند. ماده ۱۲ اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام می گوید: «هر کس در چارچوب شرع حق دارد آزادانه رفت و آمد داشته باشد و محل سکونت خود را در داخل یا خارج از کشور انتخاب کند و در صورت تعقیب و آزار، حق پناهجویی در کشور دیگری را دارد.»^{۴۸}

۲-۲- پناهجویی زنان

قرآن کریم مقررات خاصی را برای حمایت بیشتر از زنان و کودکانی که آسیب پذیرتر محسوب می شوند، وضع می کند. علاوه بر این، بر اساس اصل عدالت که مبنای همه احکام اسلامی است، باید از کسانی که در اثر مهاجرت و پناهجویی در معرض خطر بیشتری قرار دارند، حمایت بیشتری شود. حتی در مورد غیرمسلمانان یا

^{۴۶} . کریمی ، رقیه، نگاهی به پناهجویی در فقه و حقوق بین الملل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۵، ۱۳۸۹، ص ۳۹

^{۴۷} . طوسی، محمد بن حسن، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربیه، ج ۲، ۱۴۱۹ ق، صص ۵۸-۵۹

^{۴۸} . Elmadmad , Khadija (2008), Asylum in Islam and in Modern Refugee Law ? , Refugee Survey Quarterly , No 27.

مخالفان دین اسلام نیز همین طور است. گرچه این اهمیت در چندین آیه وجود دارد ولی با این حال مقررات مبسوطی در این زمینه موجود نیست و می بایست با تفسیر آیات مقررات موجود و مصادیق را استخراج کرد. در زیر مصادیق مربوطه را مورد بحث قرار می دهیم.

۲-۲-۱- حکم زن مهاجر مؤمن پناهجو

مهم ترین قراردادی را که می توان در آن از مهاجران مواردی را مورد اشاره قرار داد، صلح حدیبیه می باشد، گرچه در این قرارداد از زنان مهاجر و پناهجو به صورت مستقیم مقررات یا بندی نیامده است ولی با این حال با توجه به آیاتی که در قرآن وجود دارد، می توان از مفاد آن در مورد زنان به صورت غیرمستقیم، به مواردی پی برد.

در عهدنامه حدیبیه، نسبت به بازگرداندن زنان مهاجر مؤمن پناهجو چیزی نیامده است. در آیه دهم سوره ممتحنه آمده است که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ... فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ... ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، ... آنها را بسوی کفار بازنگردانید.

اگر به شان نزول آیه توجه کنیم، این آیه به صلح حدیبیه بر می گردد. بر اساس این آیه، مسلمانان مدینه ملزم بودند، بعد از تاریخی که مسلمانان به مدینه آمده اند و اشخاصی از مکیان به مدینه هجرت کرده اند، به سوی مکه بازگردانده شوند.^{۴۹} در این مورد زنانی را مورد اشاره قرار می دهد که از مکه به مدینه هجرت کرده اند و قرآن دستور می دهد که به هیچ عنوان به بند از صلح حدیبیه توجه نشود و زنان مومنه را به مکه بازنگردانند چراکه ممکن است مورد آزار و اذیت آنان قرار گیرند.

در دستور بعد می فرماید: هر گاه از عهده این امتحان برآمدند و آنها را مؤمن واقعی دانستید، آنها را به سوی کفار بازنگردانید (فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ). درست است که یکی از مواد تحمیلی پیمان حدیبیه این بود که افرادی را که به عنوان مسلمان از مکه به مدینه هجرت می کنند به مکه بازگردانند، ولی این ماده شامل زنان نمی شد، و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هرگز آنها را به کفار باز نگرداند، کاری که اگر انجام می شد با توجه به ضعف فوق العاده زنان در آن جامعه سخت خطرناک بود.^{۵۰}

در این آیه می توانست بفرماید: فان علمتموهن صادقات، ولی چنین نفرمود، بلکه صفت ایمان را دوباره ذکر کرد، و فرمود: اگر دیدید مؤمنند، و این برای آن است که به علت حکم اشاره نموده، فهمانده باشد اینکه گفتیم چنین

۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت: المطبعة: الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة: الأولى، ج ۹، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵

م، ص ۴۵۲.

۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ سی و دوم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، صص ۳۶-۳۷.

زنانی را نزد خود نگهدارید، برای ایمان آنان است، چون ایمان باعث انقطاع علقه زوجیت بین زن مؤمن و مرد کافر است.

۲-۲-۲- درخواست پناهجویی زنان از حاکم اسلامی

مصادق این نوع پناهجویی در تاریخ اسلام وجود داشته است و با توجه به این اقدام می توان حکم قضیه را در مورد مسلمانان به دست آورد. همانطور که در بحث پیشین آورده شد، در آیه ۱۰ سوره ممتحنه این موضوع مورد اشاره واقع شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند...^{۵۱}

سیاق و زمینه این آیه شریفه چنین می‌رساند که بعد از صلح حدیبیه نازل شده. و در عهدنامه‌هایی که بین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مردم مکه برقرار گردیده نوشته شده است که اگر از اهل مکه مردی ملحق به مسلمانان شد، مسلمانان موظفند او را به اهل مکه برگردانند، ولی اگر از مسلمانان مردی ملحق به اهل مکه شد اهل مکه موظف نیستند او را به مسلمانان برگردانند و نیز از آیه شریفه چنین بر می‌آید که یکی از زنان مشرکین مسلمان شده، و به سوی مدینه مهاجرت کرده و همسر مشرکش به دنبالش آمده و درخواست کرده که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را به وی برگرداند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ فرموده: آنچه در عهدنامه آمده این است که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید چنین و چنان عمل کرد و در عهدنامه درباره زنان چیزی نیامده، و به همین مدرک رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن زن را به شوهرش نداد، و حتی مهریه‌ای را که شوهر به همسرش داده بود به آن مرد برگردانید. اینها مطالبی است که از آیه استفاده می‌شود، و آیه شریفه دلالت بر احکامی مناسب این مطالب نیز دارد، البته احکام مربوط به زنان است.^{۵۲}

این آیه نشان می‌دهد که زنان پناهجو باید تحت حفاظت دولت اسلامی واقع شود و چنانچه بیم آن رود که در کشور خود یا سرزمین خود دچار مشکل و آزار و اذیت می‌شود، در این صورت می‌توان دولت اسلامی را مسئول وی دانست و نباید زن پناهجو را به دولت دیگر تحویل دهد. این موضوع دقیقاً مطابق با آن چیزی می‌باشد که در کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد پناهجویی و کمیته‌های مختلف حقوق بشر وجود دارد.

۲-۲-۳- انقطاع همسری به سبب پناهجویی

^{۵۱}. سوره ممتحنه، آیه ۱۰.

^{۵۲}. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، مترجم: موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۰۸

در تاریخ اسلام و در مورد صلح حدیبیه، برای اینکه بنیان اسلام مستحکم گردد و زنان مومنه پناهجو از آزار و گزند آسیب در امان بماند، دستور داده شد که همسران از شوهران خود منقطع شوند و دیگر هیچ ارتباطی بین زنه مومنه با شوهر کافرش باقی نمی ماند. در آیه دهم سوره ممتحنه این موضوع مورد اشاره واقع شده است.

پناهجویی زنان مؤمن مهاجر، سبب انقطاع همسری آنها با شوهران کافر می شد:

...إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ... فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ... هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند... آنها را بسوی کفار بازنگردانید نه آنها برای کفار حلالند و نه کفار برای آنها حلال.^{۵۳}

جمله «لا هن حل لهم و لا هم يحلون لهن» بر وقوع جدایی زن مؤمن پناهجو و همسر کافرش دلالت دارد. هر چند مرد مشرک او را طلاق ندهد.^{۵۴} در سومین دستوری که در این آیه آمده مرحله‌ای که در حقیقت دلیلی است برای حکم قبل اضافه می کند: نه این زنان بر آنها حلالند، و نه آن مردان کافر بر این زنان با ایمان (لا هنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ). فارغ از مبنای این نوع حکم، باید توجه داشت که این حکم به نظر برای آن زمان به خصوص در مورد استحکام جامعه نوپای اسلامی می باشد، چراکه در آغاز اسلام که هنوز جامعه اسلامی استقرار نیافته بود زوج‌هایی بودند که یکی کافر و دیگری مسلمان بود، و پیامبر از آن نهی نمی کرد تا اسلام ریشه دوانید، ولی ظاهراً بعد از صلح حدیبیه دستور جدایی کامل داده شد و آیه مورد بحث یکی از دلائل این موضوع است.^{۵۵} فلذا مقررات آن امروز به هیچ وجه جاری نمی شود چراکه برای فسخ عقد نکاح یا ازدواج باید حکم دادگاه وجود داشته باشد و با رضایت طرفین این مهم صورت گیرد. در صورت وجود عسر و حرج برای شوهر ممکن است، در کشور خود مرد بتواند با توجه به عدم تمکین زن و پناهجو شدن وی به کشور خارجی بتواند همسر خود را طلاق دهد ولی به خودی خود این موضوع صورت نمی گیرد و باید بر اساس دادگاه و درخواست طرف مقابل انجام شود. در قوانین بین المللی برای این موضوع هیچ قاعده ای وجود ندارد و پناهجویی دلیلی برای انقطاع رابطه ازدواج بین زن و شوهر نمی شود.

^{۵۳}.سوره ممتحنه، آیه ۱۰

^{۵۴}. الشیخ الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۹، الطبعة: الأولى سنة الطبع: المطبعة: بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ -

۱۹۹۵ م، صص ۴۵۳-۴۵۴

^{۵۵}. مکارم شیرازی، همان، ج ۲۴، ص ۳۸

۲-۲-۴- امتحان زنان پناهجو

این موضوع در احکام اسلامی اختصاصی می باشد و در قوانین بین المللی نمی باشد. در سوره ممتحنه آیه دهم، به این موضوع اشاره شده است. منظور از امتحان زنان، جلوگیری از نفوذ زنان کافر بود و آزمایش به سبب آزمودن ایمان آنها بوده است. البته مشابه آن در مقررات بین المللی و در مورد رویه های پذیرش پناهجویی وجود دارد. برای اینکه یک پناهجو بتواند خود را ثابت کند و شرایط ویژه خود را به اثبات رساند، باید خطر واقعی ملموس اعم از خطر جانی، در معرض اعدام قرار داشتن، پناهجویی سیاسی، پناهجویی به سبب تغییر دین و مواردی از این قبیل را اثبات کند و اگر مورد پذیرش واقع شود، در این صورت می تواند پناهجویی خود را در کشور مربوطه به سرانجام برساند.^{۵۶} مشابه این قضیه در مورد اسلام و عقیده بود که آن زمان برای حفظ جامعه اسلامی جدید لازم بود. آیه مربوطه در سوره ممتحنه می باشد که چنین فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ... ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان بایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش کنید...

این موضوع به خاطر مسئله ای بود که برخی مسلمانان بیم داشتند که برخی زنان نفوذی کافر در میان آنان به جاسوسی بپردازند و به همین خاطر زنان مومنه ای که دسته دسته به آنان پناهجو می شدند، می راندند. بعد از آن بود که این آیه نازل شد و پیامبر نیز بر اساس آیه مزبور دستور داد تا ایمان و عقیده آنان را به الله و اسلام بسنجند و سپس وارد جامعه خود کنند. لذا این آیه به خاطر نهی آنان بود و برای اطمینان از ایمان واقعی آنان، دستور به آزمایش آنان و سنجش عقیده شان بوده است.^{۵۷}

نتیجه گیری

پس از تحلیلی که تاکنون بر روی نظام قانونگذاری بین المللی در مورد حقوق پناهندگان و مشکلات اصلی که پناهجویان زن در طول تاریخ طولانی این پدیده با آن مواجه بوده اند، پنهان کردن کاستی های قابل توجه در مقابله با این حوزه از حقوق بین الملل غیرممکن است. تجاوز جنسی، قاچاق انسان، و ختنه زنان تنها برخی از خطرات فیزیکی است که زنان و دختران در هر مرحله از جابجایی با آن مواجه هستند. اسناد ارائه شده توسط حقوق بین الملل اغلب برای محافظت از زنان در برابر این تهدیدها و برای دسترسی آنها به کشورهای جدید کافی نیست، زیرا ادعاهای آنها برای پناهندگی و وضعیت پناهجویی هنوز هم اغلب به شرکای مردشان وابسته است. علیرغم تلاش های آژانس های سازمان ملل متحد و پیشرفت هایی که از طریق کنفرانس ها، کنوانسیون ها و

^{۵۶} . Green.L.C ,Refugee and refugee status,causes and treatment in historical- legal perspective, the refugee problem on universal, regiona and national level, Institute of international relations of tissaloniki, 2009

^{۵۷} موسی زاده، ابراهیم؛ کهریزی، رزیتا، حقوق پناهجویی در اسلام: منبعی برای توسعه حقوق بین الملل پناهجویی، تهران، اندیشه

های حقوق عمومی، ش ۷، ۱۳۹۴، ص ۵۷

انتشار دستورالعمل‌ها به دست آمده است، فشار بر نهادها قوی نبوده است که جامعه جهانی و دولت‌ها را به جدی گرفتن این موضوع تشویق کند. بنابراین موضوع حمایت از پناهجویان باید در کنار چالش‌های دیگر مانند فقر، گرسنگی و برابری جنسیتی که به شدت با آنها مرتبط است در اولویت‌های اصلی جامعه بین‌المللی قرار گیرد. یکی دیگر از عواملی که زنان را از ادامه درخواست پناهندگی خود منصرف می‌کند و آنها را در وضعیت پناهجویی قرار می‌دهد، فرآیند دشوار ارائه درخواست است، که در آن زنان اغلب بدون کمک کافی برای کمک به آنها در برخورد با بوروکراسی دولت میزبان تنها می‌مانند. همه این عناصر نشان دهنده بی‌علاقگی دولت‌ها برای تلاش برای بهبود شرایط پناهندگان و پناهجویان است، که این امر در بودجه‌های اندک دریافت‌شده توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل برای سرمایه‌گذاری در این امر بیشتر آشکار می‌شود. همانطور که در کنوانسیون پناهندگان آورده شده است، تمام هزینه‌ها و تلاش‌ها برای میزبانی جریان پناهندگان توسط کشورهای در حال توسعه انجام شده است، کشورهای کمترین توانایی را برای برآوردن نیازهای زنان دارند. گاهی اوقات این کشورها حتی آزار جنسیتی را به رسمیت نمی‌شناسند و جنسیت را به عنوان یک گروه اجتماعی خاص در نظر نمی‌گیرند. بدتر از آن، تبعیض زمانی ممنوع است که مبنای آن نژاد، رنگ، جنسیت، عقاید سیاسی و منشأ ملی یا اجتماعی باشد، اما سایر اشکال تبعیض به دلیل ارزش بالایی که برای حاکمیت دولت قائل است پذیرفته شده است. از جمله این مبانی تبعیض آمیز می‌توان به تابعیت و اقامت قانونی نیز اشاره کرد.

از سوی دیگر، برخی سیگنال‌های مثبت در سناریوی بین‌المللی، راه را برای امید به مشارکت و همکاری بیشتر دولت‌ها در حمایت از طرح‌های بین‌المللی و تامین مالی عملیات کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل باز می‌گذارد. علاوه بر این، از طریق بیانیه، رهبران از سازمان بین‌المللی مهاجرت و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل خواستار ایجاد مکانیسم حمایت مشترک کشورهای اسکان مجدد در حال ظهور، با هدف کمک به کشورهای جدید اسکان مجدد در انتخاب، آماده‌سازی، و حمایت از حرکت پناهجویان و توسعه سیستم‌ها برای استقبال و حمایت از پناهجویان در بدو ورود شدند. با توجه به عدم وجود دادگاه بین‌المللی پناهندگان، حمایت بین‌المللی از پناهندگان به دادگاه‌های داخلی متکی است که کنوانسیون پناهندگان را مقابل نهادهای معاهده حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای اعمال می‌کنند.

لذا زنان پناهجو مستحق حمایت ویژه از منظر حقوق بین‌الملل هستند. در واقع، چارچوب مناسبی از قوانین و استانداردهای بین‌المللی وجود دارد که به دنبال حمایت از حقوق پناهندگان است. این چارچوب، به طور اساسی، شامل کنوانسیون پناهندگان است که سند حقوقی بین‌المللی کلیدی است که معیارهای صلاحیت برای وضعیت "پناهنده" را تعریف می‌کند. واضح است که جنسیت به خودی خود، از نظر کنوانسیون پناهندگان، به شخص حق حمایت از پناهندگان را نمی‌دهد. با این حال، با گذشت زمان، جامعه بین‌المللی (و دولت‌های مختلف) شیوه‌های خود را به گونه‌ای اصلاح کرده‌اند که حمایت بیشتر از زنان پناهنده را تسهیل کرده است. در حالی که برخی بحث‌ها در مورد مزایای تفکیک حقوق زنان از حقوق بشر جهانی به منظور برخورداری از زنان

"حمایت ویژه" وجود دارد، به نظر می‌رسد دلایل خوبی برای اتخاذ چنین رویکردی وجود دارد است. موضوع بسیار مهم و اغفال مانده دیگر این است اکثر کنوانسیون‌ها به حمایت از پناهندگان می‌پردازند و به وضعیت خاص و مبهم زنان پناهجو اشاره صریح نشده است و در این حیطة نیازمند تصویب کنوانسیون و هم چنین پایبندی کشورها به کنوانسیون‌های مورد تصویب است. زنان اکثراً فقرا و بی‌سوادان جهان را تشکیل می‌دهند و در طول تاریخ از طیفی از رفتارهای تبعیض آمیز و توهین آمیز در بخش‌های مختلف جهان رنج برده‌اند. در نتیجه، در ۲۵ سال گذشته، شاهد پیشرفت‌هایی در سطح بین‌المللی به سمت رسیدگی به وضعیت اسفبار زنان پناهجو بوده‌ایم. توصیه‌های مختلف ارگان‌هایی مانند کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و پناهجویان، در طول این مدت، برای کمک به زنان در طرح ادعاهای خود برای پناهندگی و حمایت بوده است. سیاست کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در مورد زنان پناهنده، رهنمودهای حمایت از زنان پناهنده و دستورالعمل‌های مربوط به خشونت جنسی علیه پناهندگان در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارند. در واقع، تعداد فزاینده‌ای از پرونده‌ها نیز در این زمینه توسعه یافته است. این پیشرفت همچنین خود را در تدوین و تصویب اسناد بین‌المللی مانند کمیته منع تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن نشان داده است. چنین اسنادی به ایجاد مجموعه‌ای از استانداردها کمک کرده است که به برخی از حوزه‌هایی که مستقیماً به زنان پناهنده مربوط است، می‌پردازد. اشکال مختلف خشونتی که زنان پناهنده در معرض آن قرار گرفته‌اند، منجر به ایجاد مجموعه‌ای از "مقررات پناهندگی جنسیتی" شده است که به عنوان مثال، ارتباط مناسب بین موضوعاتی مانند تجاوز جنسی یا خشونت جنسی، جراحی اندام تناسلی زنان، خشونت خانگی و ملاحظات اجتماعی-اقتصادی از یک سو و وضعیت پناهندگی از سوی دیگر را برجسته می‌کند. از سوی دیگر حقوق اجتماعی-اقتصادی پناهجویان مورد توجه و نگرانی خاصی است. همانطور که اشاره شد، حمایت از زنان پناهجو اغلب در سطح عملی برای آنچه که مدیران و مقامات "مسائل مهمتر" می‌دانند کنار گذاشته شده است. کشورها باید تشویق شوند تا اسنادی مانند کنوانسیون پناهجویان را تصویب کنند و پس از آن گام‌های فعالی برای داخلی کردن اصول کلیدی مندرج در آن در قوانین داخلی خود بردارند. همانطور که سیاست کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در مورد زنان پناهنده استدلال می‌کند، زنان پناهنده باید در مراحل برنامه ریزی و اجرای سیاست‌های ملی و تحولات قانونی در این زمینه مشارکت نزدیک داشته باشند چه بسا این موارد باید به وضعیت زنان پناهجو نیز تسری یابد. چنین مداخلاتی، همراه با شناخت مناسب دولت از وضعیت اسفناک، به ویژه، زنان و کودکان پناهندگان و پناهجویان، باید احتمال موفقیت بیشتری داشته باشد. قوه قضاییه نیز نقشی را ایفا می‌کند و تفسیر آن از قوانین بین‌المللی و ملی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اجرای معنادار حقوق زنان پناهنده و پناهجو داشته باشد. این امر باید با مشارکت مناسب جامعه مدنی و دولت، از جمله، برای مثال، ایجاد مراکز حقوق پناهندگان همراه باشد. این نوع مداخلات دسترسی به اقدامات صیانتی را برای پناهندگانی که به چنین کمکی نیاز دارند، افزایش می‌دهد. بحث زنان پناهجو در اسلام، بحثی چندان روشن و مبسوطی نمی‌باشد و منحصر به ماده ۱۰ سوره ممتحنه می‌باشد. گرچه از منظر فقهی مقرراتی در این زمینه می‌توان استخراج کرد ولی آنچه که امروزه در مقررات بین‌المللی وجود دارد، با آنچه که در اسلام وجود دارد، اغلب

متفاوت است، گرچه می توان مشابهت هایی نیز بین این دو یافت. در اسلام قراردادهایی مثل استیمان و امان را می توان در مورد زنان پناهنده در نظر گرفت. ولی تفاوتی که در اسلام با حقوق بین الملل وجود دارد، تفاوت ایدئولوژیکی و عقیدتی بحث پناهنده بین اسلام و حقوق بین الملل می باشد. در اسلام یا عالم کفار و مشرک وجود دارد یا عالم اسلام. لذا در امر پناهجویی نیز مبنا را بر این اساس گذاشته است. حال آنکه در حقوق بین الملل پناهندگی و پناهجویی زنان به عنوان مفهوم سرزمینی و فارغ از بحث ایمان در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر در تعریفی که در اسناد بین المللی در این زمینه وجود دارد، پناهجوی زن، شخصی است که در کشور محل زندگی خود تحت آزار می باشد و ممکن است، جان و مال و آبرویش در خطر باشد ولی در مفهوم اسلامی پناهجوی زن کسی است که اگر وارد سرزمین اسلامی شود، به صورت پیش فرض کافر و مستحق مرگ می باشد و حکومت اسلامی با دادن امان در چارچوب قراردادهایی مثل استیمان، جان وی را در مقابل شهروندان یا امت اسلامی در امان نگه می دارد. در مفهوم حقوق بین الملل ممکن است شخص به خاطر مذهب، عقیده، نژاد، سیاست، مجازات مرگ و ... در خطر باشد و حقوق بین الملل برای وی، حقوقی قائل شده است. ولی پناهجوی زن در فقه اسلامی باید کافر حربی یا کافر ذمی باشد که مقررات عقد ذمه را نقض کرده باشد. بنابراین بین دو مفهوم پناهجو در اسلام و حقوق بین الملل، نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است. این موارد تفاوت هایی بود که در زمینه پناهندگان و پناهجویان زن بین دو چارچوب بین المللی و اسلامی مطرح شد. موارد بسیار اندکی در مشابهت این موضوع با موضوع دیگر وجود دارد. برای مثال بحث آزمایش پناهجوی زن به نوعی با رویه و پروسه پذیرش پناهندگی در حقوق بین الملل مشترک می باشد. امروزه برای اینکه زنی پناهنده شود، باید خطرات جانی، مالی و ... به خاطر مذهب، نژاد، امور سیاسی، جنسیت و ... ارائه دهد و در اسلام نیز در صلح حدیبیه این موضوع صرفاً در مورد عقیده و خطرات جانی آنها مورد سوال واقع می شد. گرچه ارتباط و مشابهت مستقیمی وجود ندارد ولی به صورت غیرمستقیم این مسئله می تواند مشابهت داشته باشد. بحث دیگر عدم استرداد زن به سرزمین های کفار در اسلام و عدم استرداد زن پناهنده به کشور خود در حقوق بین الملل می باشد. چنانچه دلیلی منطقی وجود دارد که زن به خاطر آن به عنوان پناهنده پذیرفته شده است، دیگر نباید دولت آن را به کشور خود بازگرداند چراکه ممکن است مورد آزار و اذیت واقع شود و خطراتی که به خاطر آن جلای وطن کرده بود، دوباره وی را تهدید کند. در اسلام نیز این موضوع در مورد زنان تازه مسلمان وجود داشت که از سرزمین کفار به سرزمین اسلامی وارد شده بودند و این مسئله به خاطر ترس آنها از آزار و اذیت کفار بود و در این باره حکم صریحی در سوره ممتحنه در مورد عدم استرداد زنان پناهجو وجود دارد.

منابع

- ۱- قدیر، محسن؛ کاظمی فروشانی، حسین، بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و حقوق بین الملل، :: نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، بهار، ۱۳۹۷
- ۲- متقی هندی، علی الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العربیه، ج ۲، ۱۳۹۹ ق
- ۳- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی : حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸

- ۴- کریمی، رقیه، نگاهی به پناهندگی در فقه و حقوق بین الملل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ش ۱۵، ۱۳۸۹
- ۵- طوسی، محمد بن حسن، النهایه، بیروت، دارالکتب العربیه، ج ۲، ۱۴۱۹ ق
- ۶- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت: المطبعة: الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة: الأولى، ج ۹، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م
- ۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ سی و دوم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴
- ۸- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، مترجم: موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش
- ۹- الشیخ الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۹، الطبعة: الأولى سنة الطبع: المطبعة: بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م
- ۱۰- موسی زاده، ابراهیم؛ کهریزی، رزیتا، حقوق پناهندگی در اسلام: منبعی برای توسعه حقوق بین الملل پناهندگی، تهران، اندیشه های حقوق عمومی، ش ۷، ۱۳۹۴
- 11- UNHCR, Refugee Protection: A Guide to International Refugee Law (Geneva: Inter-Parliamentary Union and the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, 2001)
- 12- Executive Committee Conclusion N.39: Refugee Women and International Protection, 1985, available at: <http://www.unhcr.org/excom/exconc/3ae68c43a8/refugee-women-international-protection.html>
- 13- . Marco Balboni, La protezione internazionale in ragione del genere, dell'orientamento sessuale e dell'identità di genere. Aspetti di diritto internazionale e dell'Unione Europea, (G. Giappichelli Editore, 2012)
- 14- Balboni, M. La protezione internazionale in ragione del genere, dell'orientamento sessuale e dell'identità di genere. Aspetti di diritto internazionale e dell'Unione Europea, G. Giappichelli Editore, 2012.
- 15- CEDAW, General Recommendation No.19: Violence against Women, 1992, § 24. Cfr. General Recommendation No.24 on Art. 12: Women and Health, 1999
- 16- CEDAW, General Recommendation no. 28: The Core Obligations of States Parties under Art. 2 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 2010
- 17- OHCHR Official website, available at: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CAT/Pages/CATIntro.aspx>
- 18- Anders B. Johnsson, "The International Protection of Women Refugees: A Summary of Principle Problems and Issues," International Journal of Refugee Law 1 (1989): p 222.
- 19- Smith, Rhona, International Human Rights, 9th, (Oxford University Press; 10th edition, March 22, 2022)
- 20- Muižnieks, N. Human Rights of refugee and migrant women and girls need to be better protected, Council of Europe's Official website, Strasbourg, 7 March 2013.
- 21- Menjívar, C. and Abrego, L. "Legal violence: Immigration law and the lives of central american immigrants", American Journal of Sociology, 2012.
- 22- Kivilcim, Z. "Legal Violence Against Syrian Female Refugees in Turkey", Springer Science+Business Media, Dordrecht 2016.
- 23- Balboni, M. La protezione internazionale in ragione del genere, dell'orientamento sessuale e dell'identità di genere. Aspetti di diritto internazionale e dell'Unione Europea, G. Giappichelli Editore, 2012.

- 24- Oosterveld, V. "Gender, Persecution, and the International Criminal Court: Refugee Law's Relevance to the Crime against Humanity of Gender-based Persecution", *Duke J Comp. & Int'l L.*, 2006-2007
- 25- CAT, 15 February 2001, A.S. v. Sweden, CAT/C/25/D/149/1999.
- 26- . CAT, 24 November 2003, Hanan Ahmed Fouad Abd El Khalek Attia v. Sweden, CAT/C/31/D/199/2002.
- 27- CAT, November 24th 2003, Hanan Ahmed Fouad Abd El Khalek Attia v. Sweden, CAT/C/31/D/199/2002.
- 28- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women Comitee
- 29- OHCHR Official Website, Short History of Cedaw Convention available at: <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.htm>
- 30- Charter of the United Nations, San Francisco 1945, Preamble and art.1, available at: <https://treaties.un.org/doc/publication/ctc/uncharter.pdf>
- 31- Universal Declaration of Human Rights (General Assembly Resolution 217A), Paris 1948, art.2
- 32- Virzo, Roberto, The Protection of Refugee Women under International Law: Achievements ad Challenges, Department of Political Science, Chair of International Law, Libera Università Internazionale degli Studi Sociali Guido Carli, 2016, p 31
- 33- CEDAW, February 17th 2009, Zhen Zhen Zheng v. Netherlands, CEDAW/C/42/D/15/2007.
- 34- Wendy A. Young, "The Protection of Refugee Women and Children: Litmus Test for International Regime Success," *Georgetown Journal of International Affairs* 3 (2002): p 42
- 35- UN Convention Relating to the Status of Refugees, July 28th 1951, art.33 para. 1.
- 36- Dennis McNamara, "The Protection of Refugees and The Responsibility of States: Engagement or Abdication?", 11, *Harv. Hum.Rts. J.*, (1998): 356
- 37- Susan M. Akram, "Protecting Syrian Refugees: Laws, Policies, and Global Responsibility Sharing", *Boston University Law*, (2014)
- 38- UN General Assembly, Note on International Protection, A/AC, 96/830, 19-20 (September 7th 1994).
- 39- UNHCR, The State of World's Refugees, 1997-1998
- 40- Kivilcim Zeynep, "Legal Violence Against Syrian Female Refugees in Turkey", *Springer Science+Business Media (Dordrecht)* 2016)
- 41- Directive 2013/32/EU of the European Parliament and of the Council of 26 June 2013 on common procedures for granting and withdrawing international protection (Articles 35 and 38).
- 42- Cecilia Menjívar and Leisy J. Abrego. "Legal violence: Immigration law and the lives of central american immigrants", *American Journal of Sociology*, (2012)
- 43- Elmadmad , Khadija (2008), *Asylum in Islam and in Modern Refugee Law ?* , *Refuee Survey Quarterly* , No 27.
- 44- Green.L.C ,*Refugee and refugee status,causes and treatment in historical- legal perspective, the refugee problem on universal, regiona and national level*, *Institute of international relations of tissaloniki*, 2009